روزنامه رایگان
همشهری
جمعه ۴ بهمن ۱۴۰۴ • ۴ شعبان ۱۴۴۷ • شماره ۱۲۵ • مشروطه

۲۴۲۷ شهید

مجرمان را رها نمی کنیم

#دادخواه_فرزندان_ایرانیم

همشهری
جمعه ۴ بهمن ۱۴۰۴ • ۴ شعبان ۱۴۴۷ • شماره ۱۲۵ • مشروطه

۲۴۲۷
این عدد را به خاطر بسپارید؛ قاب کنید و به دیوار بزنید؛ روی لباس چاپ کنید؛ از رویش طرح بزنید؛ گردنبند و دستبند بسازید؛ پوسترش کنید و شهر را با آن بیارایید؛ این عدد یک «نماد» است.

۲۴۲۷
نماد مظلومیت جمهوری اسلامی است؛ نماد جوامع‌ی رهبر این انقلاب است. فرمانده (رشد نظامی گفت در ۲ ساعت می‌توانستیم اوپاش تروریست را جمع کنیم؛ اما صبر انسانی ۲ مانع شد. تا شام روز جمعه، از سلاح نظامی، جز در موارد خاص، استفاده نشد؛ تا باقی‌مانده مخرب‌ان جدا شوند؛ تا اوپاش از مردم عادی غربال شوند.

۲۴۲۷
نماد مظلومیت و اقتدار است. حالا دنیا بهتر می‌فهمد چرا رهبر انقلاب با سلاح هسته‌ای مخالف است؛ برای او، به سبک اجدادش، قدرت، به‌ماهو قدرت، قداست ندارد. قدرتی که با ریختن خون بی‌گناه به ثمر بنشیند، عبرات مستضعفین نخواهد شد. حالا تاریخ بهتر می‌فهمد چرا خمینی انقلاب ۵۷ را با دست خالی و مشت گره کرده مردم و جوشش قلب‌ها به ثمر رساند و نه با تشکیلات مسلحانه.

۲۴۲۷
راه‌اند کنید؛ کتاب بنویسید، نامه خیابان بگذارید، در مدارس درس بدهید.

۲۴۲۷ یعنی...

اما حرف تمام نیست.

۲۴۲۷ در دلش یک غصنامه هم دارد.
۲۴۲۷ یعنی وقتی دشمن با موشک بیاید ۱۰۶۲ شهید می‌گیرد و وقتی با رساله بیاید ۲۴۲۷ شهید.
۲۴۲۷ یعنی وقتی مرزهای خاکی و آسمانی را صیانت می‌کنیم اما ذهن‌ها را رها، باید بیش از ۲ برابر شهید دهیم.
۲۴۲۷ یعنی وقتی دشمن به‌جای نقاط قوت ما متل موشک، نقاط ضعف متل اقتصاد را هدف می‌گیرد. از مردم بیشتر قربانی می‌گیرد.
۲۴۲۷ یعنی وقتی نوجوان را رها می‌کنیم تا بی‌پناه و بی‌دفاع از خانواده و مدرسه وارد بلنترم شود، باید چندبرابر خون بدهیم.
۲۴۲۷ یعنی وقتی جنگ در میدان سلاح سخت است، هدف معلوم است؛ اما وقتی جنگ در میدان ذهن است، دوست و دشمن قاطی می‌شود و قربانی بالا می‌رود.
۲۴۲۷ یعنی وقتی دشمن با تانک و موشک می‌آید، ملت دور هم جمع می‌شود، اما وقتی با شایعه و تردید می‌آید، انسجام را می‌زند و خون می‌گیرد.
۲۴۲۷ یعنی وقتی سنون «خبر و روایت» می‌لرزد، ستون «امنیت» هم می‌لرزد و تا خبر و روایت درست نشود، امنیت هم آرام نمی‌گیرد.
۲۴۲۷ یعنی وقتی فریب از راه «کلمات» می‌آید، از راه گلوله خطرناک‌تر می‌شود؛ چون اول عقل را می‌گیرد، بعد جان را.
۲۴۲۷ یعنی وقتی دشمن به جای شکست موشک، سراغ شکست امید می‌رود، جنازه‌ها بیشتر می‌شود.

۲۴۲۷
هم نماد اقتدار است، هم مظلومیت، هم درد. هم داغ و التیه هم روشنایی. هرچه هست در این نماد خوبین. قدر نی نهفته است که اگر خوب گوش دهیم و دست گیر بدهیم، نجوای این خون‌های پاک، راه نشان می‌دهد و راه‌ها و نیاهزری می‌کند و اصلاح و رشد و نصرت خواهد بود.

رهایتان نخواهیم کرد

● با مجرم اصلی سال‌هاست بدر کنستگی دارم و پس از جنگ ۱۲ روزه و اعتنائش اخیر، باید ساعت‌شماری کند. یقین دارم به وعده صادق رهبرمان، این قرعون زمان پست و زبون به خاک خواهد نشست.

● جلاد نیابتی‌اش هم که سیلی سخت جمهوری اسلامی را در جنگ ۱۲ روزه چشیده است و هنوز سکندری می‌زند، تقاص اصلی را پس می‌دهد به فضل الهی.

● جریان مزدور و اپوزاش داخلی هم فرصتی شد تا این قاطبات منتحف وطنی سر بر آورد و دیده شود و شناسایی شوند. به‌زودی بیشتر از پیش بساط شان جمع خواهد شد. قصاص شرعی باید چشم ترلب قطرباز را پر کند.

و اما خون خواهیم...

● هر کس، حتی در حد یک متن کوتاه، از این سلبریتی‌های بی خبر به آتش این افتضاح دمیده است، باید پاسخگو باشد.
● هر کس با شایعه، تحریف یا دروغ تردید کاشته و ذهن‌ها را به هم ریخته، باید در محکمه حاضر شود و توضیح بدهد سهمش چه بوده است.

● هر کس آگاهانه یا از سر منفعت، جاده‌صاف‌کن ماشین خبرسازی قاسم اینترنشنال و بی‌بی‌سی و منوتو شده است، یا با بازنشر هماهنگ، یا برجسته‌سازی دروغ، یا سفیدشویی خشونت و سیاه‌نمایی حقیقت، آتش‌بیار معرکه شده است، باید آماده پاسخگویی باشد.

● آن برند اقتصادی اعتنی، آن دکان خونخوار، آن کافه نسرد فخروش و آن سرمایه‌داری نی داغ، هم باید جواب بدهند؛ همه آنهایی که نالشان در ریختن خون و ساختن داغ بوده است، باید پاسخ دهند. باید هزینه این جسارت‌ها را بپردازند؛ خسارت جان، خسارت مال، خسارت امنیت، خسارت امید و اعتماد.

● به عدد قطره‌های خون پاکی که ریخته شده، باید حساب کشی شود؛ از آمران و حامیان بیرونی تا عوامل داخلی، از طراحان اتاق عملیات تا بی‌انتظام رسانه‌ای این پرونده بسته نمی‌شود؛ این مطالبه به فراموش نمی‌شود.

● سیدحسن حسینی بالاجاده و فرج‌الله شوشتری (فرزند سردار شهید شوشتری) را باید شهید جهاد تبیین در آتشوهای اخیر نامید؛ هر دو متمایل گشت گو نامزد بودند که در پست‌ها جاگاهه به طشان افتادند و شهیدشان کردند.
● شهید علی اکبر زارعی ۱۸ ساله برای نجات خانم‌های در بند آتش مسجد سیدالشهدای پاکدشت به دل آتش زد و آنها را نجات داد اما خودش در آتش تروریست‌ها جاجا خفگی شد و به شهادت رسید.
● برخی از شهدای فتنه امریکایی اخیر را شاید بشود شهید غیرت و انسانیت نام گذاشت. یکی شان محمد باوری است. مکانیک همه‌کاره‌ی که به محمد کاترپیلار معروف بود. چون کارش تعمیر ماشین‌آلاتی آن هم در حد حرفه‌ای‌اش بود. ایام ازهمین قبر کار همدش حرید بود و بارها هم در این راه، آسیب‌های جدی دیده بود.
● جمعه در گلبانکی که کلنسیر شلوغ می‌شود، عده‌ای اشوبگر مشغول تخریب مغازه اسیوه‌فروشی روبه‌روی مکانیکی شهید باوری می‌شوند. شهید که هم ترسی دارد جلو می‌رود و جمعیت را تهی از مرکز می‌کند و می‌گوید این بنده‌ها کاسب است و کتابی نکرده.
● یکی بودنا از آن خدای‌خبرها و هر چه در دست داشته به جان این عزیز بیفتد و در شب‌جمعه مهمان ارباب بی‌کفش شد.
● در مشهد، یک گروه تروریستی که تصمیم گرفته بودند یک بانک را آتش بزنند، با پیشنهاد یکی از اعضای گروه مواجه می‌شوند که خوب است به جای بانک، یک مکان دیگر را تخریب کنند، به بهانه اینکه احتمالا این فرد ناموری است. همدل جا می‌زنی، ارمیدند.
● مامور آتش‌نشانی در مشهد را صرفا به‌دلیل اینکه تصمیم بر خاموش کردن آتش بعی وظیفه صنفی و انسانی داشته بر بریدند و داخل ماشین آتش‌نشانی انداختند.

● شهید قاسم عزیزی، شهیدی از مروشدت فارس که زنده‌زنده در آتش سوخت.
● قاتلان او پس از دستگیری نحوه شهادتش را میگفته توضیح دادن اینجا ۴ ضربه به شکم او وارد کردم و بعد کلوی او را بریدم.
● قاسم ۲۵ ساله درحالی که داشت جان می‌داد، مواد آسفن‌ا رویش ریخته و زنده‌زنده او را سوزاندند. از قامت ۱۹۰ سانتی‌متری این شهید فقط یک سر و تیه‌های از سینه جاگ‌جاگ‌ش به جا ماند.
● مدرکل پزشکی قانونی اصفهان بین شهدا نیز فردی داشتیم که بالای ۵۰ ضربه جاقو خورده بود؛ جاقویی که در بین جرحاشده شده بود.
● همچنین شهدای فراحاو باکان ویژه‌دارای شکنگی جمجمه، کرمن و سوختگی پوست بودند و آنقر به حدی دچار سوختگی صورت بودند که قابل شناسایی نبودند.

شهید ابوالفضل مقدسی

شهیدی که در مروشدت، تروریست‌ها اینا دست‌هایش را با قطع کردند و بعد پیکر بی‌دستش را درحالی که خونریزی شدید داشت، زنده‌زنده آتش زدند.
شهید ۲۴ ساله‌ای که فقط چند لسخوان سوختن را تو باقی ماند.
پدر این شهید عزیز، معلول جسمی حرکتی است.

● **عباس غرالچی، تعریف می‌کند** در یک مورد مردم تصمیم می‌گیرند ۱۱ مجروح را به بیمارستان منتقل کنند. یکی عده‌ی گویند ما اینها را منتقل می‌کنیم و مسئولیت انتقال ۱۱ مجروح به بیمارستان را بر عهده می‌گیرند. کمی بعد پیکر هر ۱۱ نفر در گونه‌ای از شهر پیدا می‌شود... این عده که بنا بود مجروحان را به بیمارستان ببرند، ابزار اضافات بودند و در مسیر به هر ۱۱ نفر نیز خلاصی زده بودند!

شهیدی که قاتلش خبر تکه‌تکه‌شدنش را به همسرش داد!

● در افتضاحات اخیر، تروریست‌ها در اصفهان ۵ آن از نیروهای بکان ویژه را به‌صورت بی‌حمله به شهادت رساندند. شهید سیدعلی خشوعی یکی از شهدای این حادثه است که در فلکه طیخانی ملکشهر به شهادت رسید. به گفته همسر شهید، این شهید را ابتدا را کردند و ساعت و انگشترش را غارت کردند و بعد پیکر این شهید و ۴ آن از همرمایش را آتش زدند و افتضاحات‌گران روی جلرهای آنها هیضن گرفتند.
● **همسر این شهید می‌گوید:** خبر ندانستن که چه اتفاقی افتاده به گوشی همسرم زنگ زدم یکی از قاتلین همسرم که گوشی او را برده بود جواب داد و خودش به من گفت ماموران را با چاقو تکه‌تکه کردیم و بعد آتشیک آتش زدیم و بنن آنها را هم سوزاندیم. من خبر شهادت همسرم را از زبان یکی از افتضاحگران و قاتلان همسرم شنیدم.
● حمرگاری که با مصرف‌کنی برای تهیه گازش رفته بود در کوچه ارم قبل از انبوه‌ها از روبه‌رو با تفنگ ساچمه‌ای مورد هدف قرار گرفتند و ۳۰ ساچمه سربی در صورت و چشم او وارد شد و صورت و دهان و چشمش پر از خون شد و ۱۵۰ ساچمه را خارج کردند اما ۱۰ عضو داخل بدنش است.
● **رانده اتوبوس:** با چاقو تهدیدم کردند که یکو آتش‌زن اتوبوس‌ها گاز بنزین‌های بکان ویژه است. همه اتوبوس‌های بار کشیدم را آتش زدند.
● آتش‌افروزی افتضاحگران به مدرسه تاریخی صمادیه گرگان رسید. مدرسه‌ای که بیش از ۶۰۰ سال قدمت دارد و در گذر سده‌های مختلف شاهد حوادث بسیاری بوده اما هیچ‌گاه اینگونه مورد تعرض قرار نگرفته بود.
● **مینیم فتحی، مسئول عروجیان سازمان بهشت زهرا گفت:** برای غسل جسمی که تیره فرق سرش خورده بود و جمجمه کاملا شکافته شده بود، مجبور شدیم که شکاف را بر کنیم تا خون و محتویات داخل جمجمه به بیرون نریزد.

● **رئیس پزشکی قانونی:** تروریست‌ها سربازی را که تکهبان بانک بود، موقع آتش‌زدن بانک نگذاشتند از بانک خارج شود و جنازه‌اش زغال شد.
● **رئیس پزشکی قانونی:** تروریست‌ها مواد اشتعال را روی بدن‌ها می‌ریختند که بدن‌ها را مثل شمع لب و زغال کند.

بلاتو

سوختگی روی بدن جان‌باختگان

روی بدن تعداد زیادی از جان‌باختگان افتضاحات اخیر، اثر سوختگی است در کنار جای تیر و فشنگ این چه سوختگی‌ای است؟
پزشکی قانونی می‌گوید اگر شلیک از فاصله خیلی نزدیک باشد یعنی کمتر از یک متر، اثر حاصل از شلیک، فشنگ بدن فرد نیز خورده را می‌سوزاند. اگر به شلیک هر تفنگی نگاه کنی، این آتش را می‌بینی. اگر این فاصله زیاد باشد، خبری از این سوختگی نیست.
پروژه کشتاری توسط تروریست‌ها به هر قیمتی که شده باید، قربی می‌خورد؛ حالا این کشته می‌توانسته از مرده‌ها دزدی و هگذر در خیابان باشد می‌توانسته از خود معترضان و حتی افتضاحگران باشد. می‌توانسته آدمی باشد که داشته از این شلوغی‌ها فرار می‌کرده و به او شلیک شده. مثل آن خانم اصفهانی که در حال پناه‌بردن به خانه‌اش در حالی که کلید در حلقه می‌انداخته و دستش در دست دخترش بوده، شهید شده است.

● **رئیس پزشکی قانونی:** یک‌تنش تخصصی همکاران ما نشان می‌دهد که شهدا و جان‌باختگان داخلیه متنوعی از تسلیحات (جمله کوه‌های جنگی عناصر آموزش‌دیده رژیم صهیونیستی، نفتک‌های ساچمه‌ای و شکاری و حتی تیر به شهادت رسیده‌اند.
● **رئیس پزشکی قانونی:** وحشی‌گری تروریست‌ها به حدی بود که ۵ نفر از مزبران مدارجمعه سرباز مدافع بانک و خادم یک مسجد، در آتش‌سوزی‌های عمدی محصور شده و پیکرشان بعضو کامل سوخت.
● **رئیس‌زاده، رئیس نظام پزشکی:** فرد را از موتور پایین کشیده بودند، سر و صورتش را با هر چه توانسته بودند زده بودند. بعد کش موتور را دور گردنش پیچیده بودند و آنطور مثل اسب روی زمین کشیده بودند. تا از هوش رفته بود و چون فکر کردند کشته شده، رهایش کرده بودند.
● **رئیس‌زاده، رئیس نظام پزشکی:** موارد زیاد آسیب‌زدن با سنگ، بلوک و میلگرد به سر و صورت داشتیم.
● **رئیس‌زاده، رئیس نظام پزشکی:** موارد متعدد جاافزون از پشت داشتیم؛ از جمله به یک نیروی انتظامی ۳۰ جاقوا از پشت زده بودند که محور شدیم ۲ بار احیایش کنیم تا بتوانند بودائی عمل.
● **رئیس‌زاده، رئیس نظام پزشکی:** کلوله با سلاح سنگین از سمت جب وارد شده و از راست بدن خارج شده، به‌نحوی که از سوراخ جب فنا خارج می‌شد؛ یعنی معده پاره شده بود. لوله گذاشتیم از ریه جون خارج می‌شد؛ یعنی شلیک‌ها به‌صورت حرفه‌ای به اندام‌های حیاتی به قصد کشته‌سازی انجام می‌شد.
● **کادر درمان مشهد:** بیشتر از ۹۵ درصد جراحات از پشت بود.
اکثر ضربات جاقو از پشت خورده بود به داخل کبد، قلب، یا ریه که اسیدی به زنده‌ماندنشان نبود. جاقو هم که گرد سوهان‌چوبی و خاتمی بود.
● **کادر درمان مشهد:** خردشدگی پا از ناحیه مختلف و خونریزی شدید.
● **کادر درمان مشهد:** بعضی جراحت‌ها طوری بودند که اگر آنظیفه دیرتر به آن رسیدگی می‌کردیم جانشان را از دست می‌دادند.
● **کادر درمان مشهد:** یک فرد ۱۹ ساله نر خورده بود پشت سرش و شکاف عمیق داشت و ناحیه مختلف از پشت بدنش با شمشیر و جاقو جراحت متعدد برداشته بود. جراحاتی که پوست و بافت گردنت و ماهیچه کامل پاز شده بود.
● **کادر درمان مشهد:** در فردی داشتیم رسیدگی می‌کردم که به پزشک معالج گفتم: من بافت ریه را نام می‌بینم؟ باز هم چه برند؟
● **کادر درمان مشهد:** فردی را آتی پتو بافت به حیاط آورلنی آورده بودند. جمجمه‌اش کامل باز شده بود و داشت همینطور خون می‌آمد و تمام بدنش جراحت و خونریزی داشت. فاد زده و کمک خواستند که بیایید ببرینش آورلانس دیدم هر طرف بدن را بلند می‌کنم یک طرف دیگرش می‌افتد. یک حمله آبیه‌اک افتاد که جوانان بی‌هاشم بیایید، علی را بر خیمه رسانید.
● **کادر درمان مشهد:** یک نوجوان ۱۶ ساله قسمت قوقانی سر او لب بالا یک تیکه بود؛ یعنی سر از بالا له شده بود و تا استخوان کف جمجمه‌اش جمع و یک تیکه بود؛ چیزی که پدر اینجا نقل می‌کند. باسر باید در لانسک ماشین بود یک تیکه‌ی را بیک بگیرد در سر داچیزی شبیه آن. همچنین دهنش متعدد جاقو داخل صورت بود همچنین زد تیر داخل صورت خورده بود.
● شهید قاسم کردی یگانه بسیجی قزوینی که برای دفاع از پسه بنزین رفته بود و ۱۰ آن از دوستش، بین ۱۰۰ ناعضی وطنی گرفتار شده بود، به خاصش رنگ زده بود که در پمپ بنزین بابای گرفتار شدیم. پدرش می‌گوید برای کمک رسیدیم بالای پیکر نیمه‌جانش، ولی قاسم را به‌خاطر شدت جراحت صورت نشناختیم.

از بقای لاغوش شناختمش، به آنها که می‌زدی دنش، نگفتم بپر شو که بیشتر نزندش. وقتی بلندش کردم آنداختیم زیری دوشیم؛ از همه جایش خون می‌بخت. همان لحظه گفتم قدایت با زینب کبری، چه کشیدی در کربلا.
اما چیزی که ما می‌خواند این بود که این هایی دست‌بدست هم داده بودند و بالای پیکر قاسم دوستانش هلهله می‌کردند و می‌قصیدند. همسرش می‌گفت اسب‌هایی که در کربلا روی پیکرها تاختند، نمی‌فهمیدند چه می‌کنند. اما این انسان‌نمای حیوان‌صفت چرا این کارها را می‌کردند.